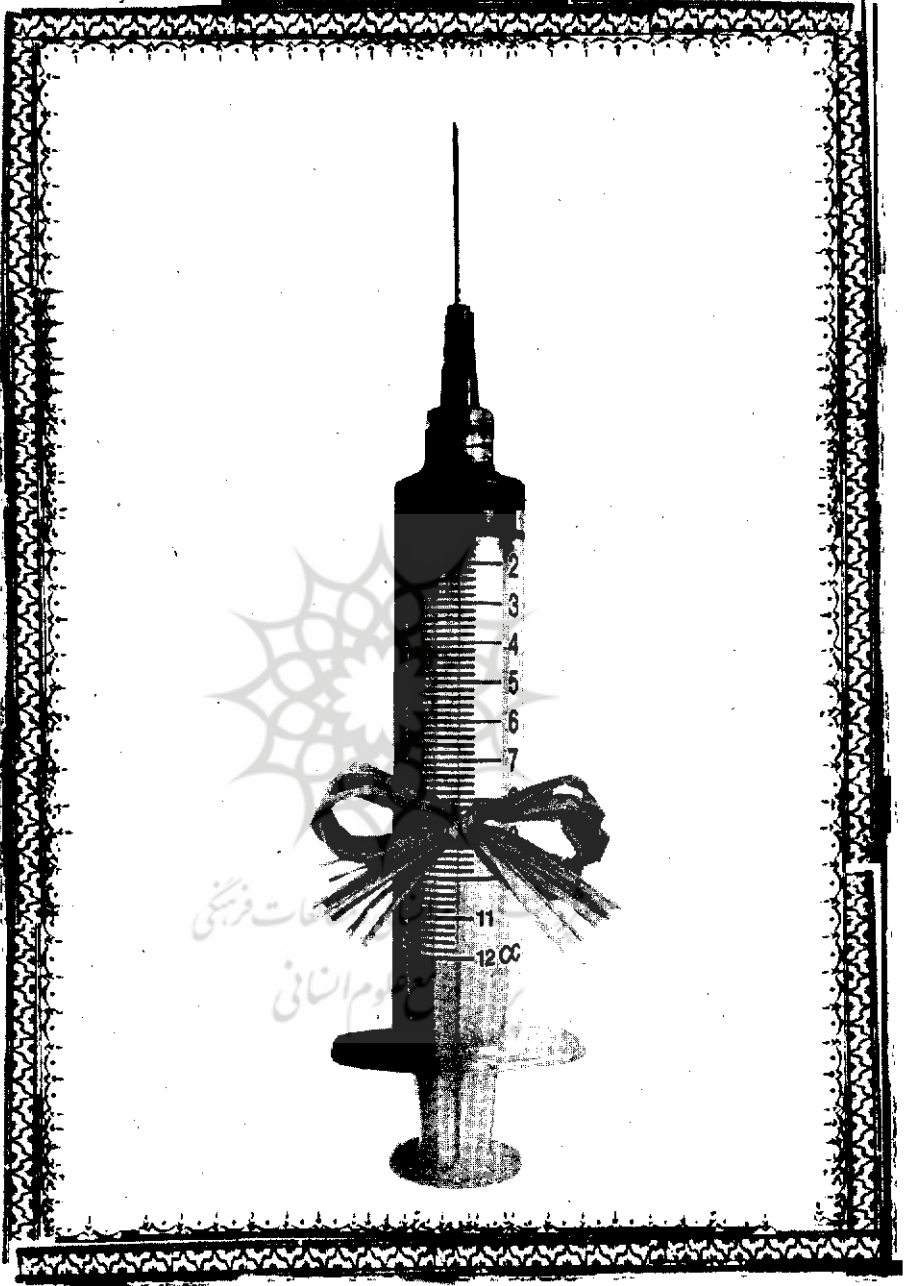


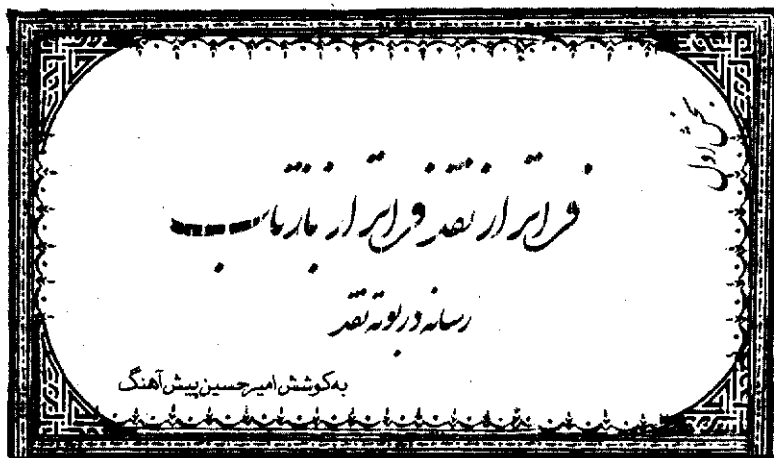


پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

www.

پرتال جامع علوم انسانی





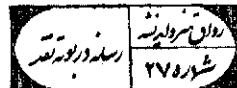
نقد، هرچه صریح‌تر و هرچه بی‌واسطه‌تر، بی‌گمان تاثیر بیشتری خواهد داشت تا نوشتارها و گفتارهایی که در لاف‌ها و پنهانی به سیاق به در گفتن و دیوار نشین عمل می‌کنند. گزارش زیر ماحصل نشست طولانی، صریح و دوستانه میان دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق (ع) و ریاست سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است. تلاش کردیم از فرصت دعوت *ماهنامه رواق هنر و اندیشه* به این جلسه، بهره برده و شمای البته مفصل از پرسش و پاسخ‌های این جلسه را به دست چاپ بسپاریم. از این جلسه طولانی گزیده‌هایی هر چند ناقص در جراید کشور بیان شد ولی بیان تفصیلی آن سخنان لازم بود تا شاید برخی پرسش‌های مشابه در میان خوانندگان *ماهنامه* پاسخ داده شوند. بر اساس مرام *ماهنامه رواق هنر و اندیشه* علاوه بر پاسخ‌های یک مدیر اجرایی به اعتراض‌ها و گله‌های وارده، خود گله‌ها نیز ارزش خبری داشته و شایسته است در معرض خوانش عموم قرار بگیرند تا اگر درد مشترکی وجود دارد، دردمند مشترک نیز پیدا شود. اگر پاسخی داده شده به همه پرسش‌هایی باشد که در اذهان دیگران در خلیجان است. از این رو در تنظیم این خبر بر خلاف سیاق دیگر همکاران‌مان در دیگر مطبوعه‌های ارجمند، بخش زیادی از فرصت را به پرسش‌کنندگان داده‌ایم تا خواننده در جریان صراحت مطالب مطروحه قرار بگیرد و آن‌گاه با ذهنی آماده پذیرای پاسخ‌های عالی‌ترین مقام اجرایی نهاد رسانه ملی باشد. در تنظیم این نشست تلاش شده فارق از نام و نشان پرسش‌کنندگان (مگر در جایی که لازم بوده نامی از پرسش‌کننده آورده شود) روال یک گفت‌وگوی دو نفره سریع یا همان یینگ‌پنگی رعایت شود تا فارق از ماهیت گزارش‌گونه نوشته، خواننده در مقام یک گفت‌وگوکننده پرسش‌هایش را بیان کند و جواب‌های عالی‌ترین مسئول اجرایی سازمان صدا و سیما را دریافت کند. به هر حال نوشته‌هایی از این دست در درازمدت ارزش سندی و تاریخی پیدا نموده و در تحلیل شرایط رسانه ملی در زمانه‌ای چون دوره ریاست مهندس ضرغامی به کار خواهند آمد.

دوشنبه شب ۲۷ آبان ماه ۱۳۸۷، مهندس عزت‌الله ضرغامی به دعوت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق (ع) که از مدت‌ها پیش صورت گرفته بود، پاسخ گفته و پنهان از چشم رسانه‌ها (بنا به خواسته دانشجویان و البته به استثنای ما) به دانشگاه امام صادق (ع) می‌رود؛ نماز مغرب و عشا را با ایشان اقامه می‌کند و سپس پای صحبت یا بهتر بگوییم گله‌گذاری‌شان می‌نشیند و البته جلسه شش ساعت به طول انجامید. بی‌شک اگر قول و قرار مهندس عزت‌الله ضرغامی برای استمرار این جلسه در ماه‌های آتی نبود، دانشجویان به ختم جلسه در ساعت دوازده و سی دقیقه شب یا همان سی دقیقه بامداد روز سه‌شنبه ۲۸ آبان ماه رضایت نمی‌دادند.

ولی از تعارفات و تشریفات جلسه و نطق پیش از دستور ریاست محترم سازمان صدا و سیما که بگیریم، گله‌ها از هر چیز شنیدنی‌تر بودند و پاسخ‌ها شنیدنی‌تر از آن‌ها و آن‌گاه پاسخ پاسخ‌ها و سپس اعتراض به این پاسخ ناگهانی و خلاصه‌الی آخر...

برای آن‌که نخ تسبیح بلند شکایات و جوابیه‌ها از دست خواننده محترم رها نشده و گم نشود، روایت حاضر نسبت به اصل جلسه کمی سیال ارائه خواهد شد، منظور همان سیال ذهن است تا بار از دوش ذهن خواننده برداشته شده و بر دوش روایت افتد.

دکتر امامی: اصلی‌ترین مأموریت سازمان و آن‌چه باید در رسانه ملی صورت بگیرد، مدیریت فرآیند پیام است که از ۵ سال پیش مورد تاکید مقام معظم رهبری بوده است. ساده‌ترین تعریف ما درباره فرآیند مدیریت پیام این است که ساز و کار پیشینی یا به تعبیر ادبیات دینی، هدایتی پیشینی برای تولید محتوا در سازمان، از رأس و بالاترین قسمت (گفتمان فرهنگی) تا پایین‌ترین قسمت رسانه ملی (تهیه‌کنندگی و عامل برنامه‌های) وجود داشته باشد. محتوا یک بیانی دارد. من چون تا به حال برنامه می‌نوشتیم می‌دانم بیانی که برای برنامه نوشته می‌شود چه هست، بیانی که برای تهیه‌کننده نوشته می‌شود چه هست. به هیچ‌وجه مدیریت پیام در سازمان وجود ندارد. البته پیش از مدیریت شما، این موضوع در افق برنامه سازمان گنجانده شده بود ولی بعد از مسئولیت شما، در کتاب نوشته شد! ولی به هیچ‌وجه این‌ها اجرا و عملیاتی نمی‌شوند. یکی از اساتید ما که از چهره‌های برجسته صدا و سیما بودند، سر کلاس‌های دانشکده صدا و سیما گفت آقای لاریجانی اواخر دوران ریاستشان خدمت مقام معظم رهبری می‌روند. یکی از معاونین صدا و سیما گزارش‌های مفصل و خوبی ارائه می‌کنند. آقا می‌گوید: آقای لاریجانی من شما را می‌شناسم، شما متدین هستید این گزارش‌ها خیلی مهم نیستند. مهم آن چیزی است که از تلویزیون پخش می‌شود و شما در خانه از تلویزیون می‌بینید. مهم آن تأثیری است که از تلویزیون می‌گیرید نه این‌که بگویید ما چه کرده‌ایم. لذا همه بچه‌هایی که حرف می‌زنند گفته‌های‌شان ناظر بر فرآیند سازمان است. صدا و سیما از لحاظ فرآیند مدیریت و سازماندهی اشکال دارد. در دوره مدیریت شما این اشکال هنوز در سازمان وجود دارد و رفع نشده است. اگر فرآیند



درست نباشد در هر مقوله‌ای که وارد شوید، بحث‌ها را پیچیده‌تر می‌کنید. باید تلاش شود که فرایند سازمان درست شود.

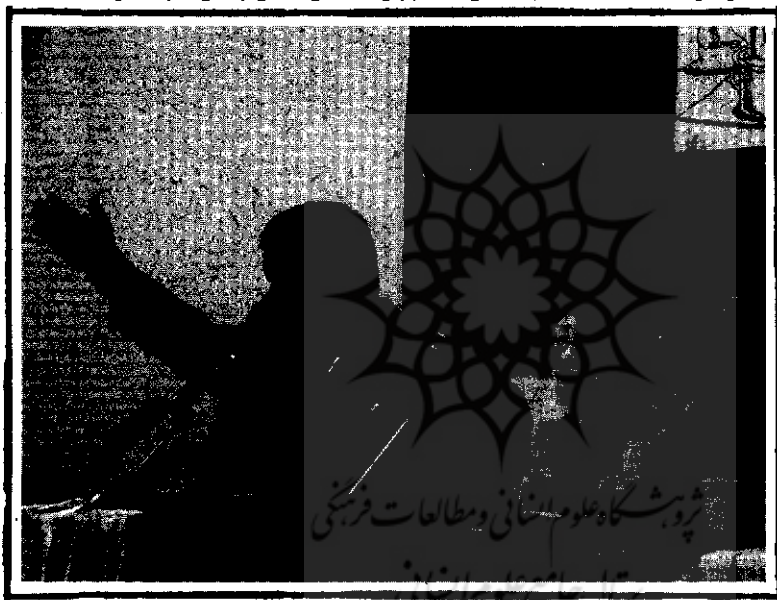
مهندس ضرغامی: حرف اصلی من هم مهندسی پیام است. شما فرمودید افق رسانه پیش از من بوده در حالی که افق رسانه کار من است. روز اولی که در این مسئولیت آمدم، گفتم ما اول باید یک مطالعه رسانه‌ای جامع داشته باشیم. شما کارشناسی‌ارشد مدیریت می‌خوانید. بر اساس مدل SWOT نظام مدیریت استراتژیک، محیط داخلی سازمان و محیط خارجی سازمان را تعریف کردیم و برای محیط داخلی سازمان شرح مأموریت نوشتیم. در محیط خارجی نیز تهدیدات و فرصت‌ها را احصاء کردیم. البته این کار یک شب و دو شب نبود. ما ۶ ماه روی این طرح کار کردیم. همه مدیران سازمان درگیر شدند. همه معاونین و بدنه سازمان و کارشناسانی از بیرون درگیر شدند. در نهایت ۳۲ استراتژی درآمد که بر اساس آن برنامه‌های بخش‌های مختلف نوشته شد که امروز چکیده و خلاصه آن به صورت یک کتابچه کوچک در جیب هر یک از مدیران ماست و نوع مدیران ما این استراتژی‌ها را می‌دانند و تمام برنامه‌های آنان باید پیوست افق رسانه داشته باشد. الان هم هر ۲ ماه یک‌بار هزار نفر از مدیران جمع می‌شوند و معاونین می‌آیند و بر اساس افق رسانه گزارش می‌دهند. یک **Power point** نیز از خلاصه این مطالب تهیه شده که ارائه آن حدود ۴ ساعت به طول می‌انجامد. جان و بخش اول افق رسانه هم که به تأیید مقام معظم رهبری رسید، مهندسی پیام است. پیام‌ها یا مستقیم است یا غیر مستقیم و بهتر است پیام غیرمستقیم باشد. برای پیام‌هایی هم که می‌گوییم، بلندگو دست نمی‌گیریم که: آی خلق!.. این که دیدید این چنین پیامی داشت شد، بنابراین همه کارهای نمایشی که انجام می‌گیرد، مهندسی پیامش آماده است. در برخی از همین سریال‌های پخش شده از تلویزیون و هم‌چنین سریال‌های ماه مبارک رمضان ۲۰ پیام، ۳۰ پیام یا ۱۵ پیام، بر اساس افق رسانه گذاشته شده که موفق بوده است. این کار را نیز دستگاه‌هایی غیر از تولید انجام می‌دهد. این کار را سیما نمی‌کند بلکه تشکیلات دیگری است. در نهایت مرکز نظارت به ما می‌گوید فلان سریال این اشکال‌ها را دارد ولی این ۱۵ پیام را نیز داده است. این برای ما ملاک است، نه گزارش معاون سیما. حجم زیادی از مهندسی‌های پیام در سریال‌ها است که ان‌شالله آن‌ها را رسیدگی می‌کنیم و پس از اطلاع یافتن از پیام‌هایی که منتقل شده، می‌شود جلسات کوچک‌تری گذاشت و آن‌ها را بررسی کرد.

یکی از حضار: پرسش آقای امامی ناظر بر این بود که چه افق رسانه و چه کتاب برنامه که در خود سازمان هم مصوب شده بود، چقدر با برنامه‌های اجرایی از سوی سازمان تطبیق دارد؟ این که بگوییم ما افق رسانه‌ای داریم که مورد تأیید رهبری است، دردی دوان نمی‌کند؟

مهندس ضرغامی: عملکرد را بر اساس شاخص‌ها می‌شود بررسی کرد ولی این که گفته می‌شود افق رسانه، تأیید رهبری را دارد و ما باید بر این اساس عمل کنیم خُب واقعاً همین طور است ولی این که چقدر از آن اجرایی شده، به نظرم این هم باید بررسی شود.

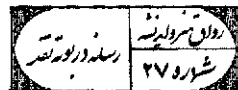
یکی از حضار: کتاب برنامه سازمان چطور؟ مگر آن نیز مصوب سازمان نیست؟ آیا کتاب برنامه لغو شده است؟

مهندس ضرغامی: نه، به هیچ وجه. گرچه اصل، کتاب افق رسانه است. کتاب برنامه برای سال‌های پیش بوده و عملاً کارایی نداشته است. کتابی با چنان حجمی که ده سال پیش تنظیم شده است و به صورت ریز و جزیی در همه حوزه‌ها نیز مطالبی دارد، چقدر امروز می‌تواند کارایی داشته باشد، هر چند مطالب درست و خوبی دارد که امروز نیز هم‌چنان در رسانه استفاده می‌شود. امروز این کتاب در اتاق همه مدیران است ولی دقت کنید که کارها را حجیم کردن و یک حجم زیادی را توقع داشتن، آن هم در کار رسانه با پیچیدگی‌های فراوان عملاً بی‌انصافی و حتی غیر ممکن است.



دکتر امامی: با وجود قولی که شما در ابتدای مسئولیت‌تان به مقام معظم رهبری دادید که در دوره مسئولیتان تهیه‌کننده محوری را تبدیل به برنامه‌محوری کنید امروز شاهدیم که نه تنها این اتفاق نیفتاده، بلکه جریان صورت دیگری به خود گرفته است؛ چرا؟

مهندس ضرغامی: در برنامه‌ای که روز اول پیش از مسئولیت‌ام نوشتم، یکی از بندها در واقع تقویت تهیه‌کنندگی و اصلاح جریان تهیه‌کنندگی بود. در این طرح پیش‌بینی شد تا تهیه‌کنندگانی که امتحان خوبی پس می‌دهند و از آن فاکتورهای متعددی که ما به تهیه‌کننده می‌دهیم، نمره قبولی می‌گیرند، مورد توجه بیشتری قرار گیرند و در کارهای مثبت بیشتری از آن‌ها استفاده شود.



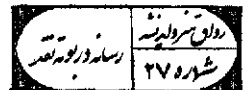
فاکتورهای یک تهیه‌کننده خوب هم کم نیست؛ از محتوا گرفته تا مسائل ظاهری و نظارتی، پشت صحنه، قیمت تمام شده، زمان به اتمام رسیدن پروژه و چیزهای دیگری که می‌خواهم بگویم ولی صلاح نیست. زمانی که یک تهیه‌کننده فیلمی را می‌سازد، همه این موارد می‌شود نمره فیلم و این نمره معدلی است برای کار بعدی تهیه‌کننده. البته نمی‌خواهم بگویم مشکلات ما ۱۰۰٪ حل شده است ولی کارهای بسیار زیادی در این زمینه انجام گرفته است.

دکتر امامی: ما در حال حاضر ۱۱ دفتر پژوهشی در سازمان صدا و سیما داریم. این مراکز پژوهشی چقدر در محتوایی که به قول شما بر سر سفره مردم از آنتن پخش می‌شود تاثیر هدایتی دارند؟ برخی از مدیران سازمان که ما در دانشکده با آنها سر و کار داریم، می‌گویند ما نه تنها تأثیر هدایتی نداریم بلکه حتی گاهی از تاثیرگذاری منع می‌شویم. مثل آن سربازی که نماز نمی‌خواند، رفت پیش یک روحانی و گفت آقا می‌شود با پوتین نماز بخوانیم روحانی گفت بله. بعد یکی از مؤمن‌ها از آن روحانی پرسید: این چه پاسخی بود که به این فرد دادید، روحانی گفت: اگر نه گفته بودم همین نماز را هم نمی‌خواند. امروز مانند این اتفاق نیز در تلویزیون ما می‌افتد. اخیراً آقای عیاری می‌گفت تا به حال در ساختار کشور یک چنین اعتمادی سابقه نداشت که اتفاق بیفتد چون من این سریال (روزگار قریب) را بدون طرح و فیلم‌نامه جلوی دوربین بردم. آقای سروش صحت درباره سریال برره به خود من می‌گفت هر روز صبح که می‌رسیدم سر برنامه، تا بچه‌ها در حال گرم کردن بودند، فیلم‌نامه را می‌نوشتم. حالا چقدر این ماجرا به شهرام جزایری ربط داشت یا ربط نداشت بماند (چون آقای ضرغامی در جایی ادعا کرده بودند که سوژه این مجموعه را خودشان داده‌اند و ایشان خواسته‌اند که با موضوع شهرام جزایری کاری بسازند). درباره مجموعه تلویزیونی بزنگاه نیز همین روش وجود داشت. من نمی‌دانم پس مدیریت پیام کجاست؟ در آخرین قسمت از مجموعه کارتون پت و مت کسی می‌داند که سوژه برنامه چه بوده است؟ (چند نفر به طور همزمان) شراب‌سازی!! در برنامه به خانه بر می‌گردیم آشپز برنامه جای انگور درست می‌کرد، بنده خدایی زنگ می‌زند به شبکه ۵ می‌گوید این که شراب است. بعد مجری برنامه می‌گوید آن چه حرام است، گوشت است و مگر میوه هم می‌تواند حرام باشد!!! این‌ها در رسانه ملی جمهوری اسلامی روی داده است. در سریال‌های ماه مبارک سال پیش سوژه‌های شما تخریب داماد بود. در این سریال‌ها همواره دامادهایی داشتیم که شرور بودند. آیا مسئله کشور این بود؟ در سریال‌های ماه مبارک امسال سوژه در غالب مجموعه‌ها معتاد بود، آن هم معتاد جذاب!! من می‌خواهم بگویم آیا سیاست نظام این است که ما معتاد را جذاب معرفی کنیم. یک فرآیند هدایتی و یک مغز متفکر که نیازهای نظام جمهوری اسلامی را در سطوح مختلف سازمان ترجمان کند، کجاست؟ آیا اصلاً وجود دارد؟

مسئله دیگر مسئله خشونت از بابت همین فیلم‌ها و برنامه‌های خشن سینمایی بوده است. امروز ثابت شده و بدیهی است که از اصلی‌ترین عوامل گسترش خشونت در جوامع رسانه‌هایی هستند که فیلم‌های خشن پخش می‌کنند. به عنوان نمونه سینما را نگاه کنید. البته گویا قرار بوده شب‌های

جمعه فیلم‌هایی پخش شود که مردم ببینند و تخمه بشکنند و از همین رو دیگر فیلم‌های معرفی و معناگرا نمایش نمی‌دهند.

مهندس ضرغامی: ببینید، شما می‌خواهید بحث علمی کنیم، بنابراین لازم است قدری با واقعیت‌های ما آشنا شوید. شما که زحمت می‌کشید و در موضوع رسانه کار می‌کنید و این برای من مغتنم است، خواهشم این است که یک مقدار اصول برنامه‌سازی را به طور حرفه‌ای فرا بگیرید. اولاً آیا شما می‌دانید زمانی که یک فیلم یا یک کار نمایشی ساخته می‌شود، چند تخصص کنار هم جمع می‌شوند تا این اثر نمایشی تولید شود: ۳۰ صنف، البته پیش‌تر ۲۸ تا بوده و به تازگی ۲ تا صنف دیگر (برنامه‌ریزان و دستیاران کارگردان‌ها) نیز اضافه شده است. این صنوف مثل حلقه‌های زنجیر کنار هم می‌آیند تا یک کار نمایشی صورت بگیرد. در این میان یکی نیز صنف فیلم‌نامه‌نویسان است که چند وقت پیش من با آن‌ها جلسه داشتم. این همان بخشی است که شما و نیروهای فکری و کسانی که با فکر و نوشتن و این مقوله‌ها سر و کار دارند، می‌توانید در آن به ما کمک کنید. ما الان در هفته کتاب هستیم، کسانی که می‌توانند رمان بنویسند، خیلی کم هستند. البته ماهی ۵۰ تا رمان بیرون می‌آید ولی رمانی که تبدیل به فیلم‌نامه شود، کم است. ما دو سال است که در این زمینه تشکیلاتی را فعال ساختم که آقای مجتبی شاکری از جابابازان عزیز مسئول این کار هستند. ایشان رمان‌هایی را انتخاب می‌کنند و قراردادی می‌بندند تا تبدیل به فیلم‌نامه شود. ولی سیر این کار کند است. اگر اشکالات را بخواهید بدانید، من در این حوزه بعدها اشکالات را می‌گویم. بنابراین ما در حوزه نوشتن فیلم‌نامه که تنها یک حلقه است، مشکلات زیادی داریم. حال می‌رسیم به جایی که فیلم‌نامه پیش از تولید نوشته می‌شود، و دقیق عین‌اش انجام می‌شود ولی آن‌چه که ما به عنوان واقعیت اثر می‌بینیم خیلی اوقات در سر صحنه اتفاق می‌افتد؛ چرا که کار نمایشی یک کار حسی است. همان‌جا کارگردان احساس می‌کند در این فضایی که ایجاد شده، این دیالوگ خاص مناسب است. این مطلب کاملاً درستی است و کاملاً حرفه‌ای است. علی‌حتمی در این زمینه معروف بود. علی‌حتمی از لحاظ حرفه‌ای بهترین فیلم‌نامه‌نویس است و کارهای خوبی انجام داده است ولی همین آقای حتمی در صحنه حسی که به او دست می‌داد بعضی از چیزها را به راحتی تغییر می‌داد. به قول خودشان درست مانند کسی که قالی می‌بافد، تار و پود فیلم را گره به گره پشت هم قرار می‌داد. فیلم مادر و فیلم‌های دیگر ایشان همین گونه است. بنابراین گاهی نیز به بازیگر حس‌هایی دست می‌دهد و حرف‌های دیگری می‌زند که کارگردان همان‌ها را ضبط می‌کند. البته این مطلب توجه فقدان یک فیلم‌نامه خوب و موجه نیست. ولی به هر حال این موارد باید مانند یک حلقه به هم وصل شوند تا یک کار نمایشی خوب شکل بگیرد. بنابراین اگر آقای عیاری چنین حرفی زده، درست است. اگر غیر از این بود باید تعجب می‌کردیم، چرا که آن‌گاه خلاف اقتضای حرفه‌ای‌اش عمل می‌کرد. دربارهٔ موارد دیگر مانند پت و مت نیز پیش‌تر مطالبی را در روزنامهٔ جام‌جم مطرح کرده‌ام که دوباره تکرار نمی‌کنم. دربارهٔ سینمای ۱ چون اسم آوردید، می‌گویم. برنامهٔ هفته گذشتهٔ سینما، فیلم صخرهٔ سرخ بود که فیلمی



حماسی و البته جنگی است. امروز نظرسنجی‌ها نشان داده است که بیشترین مخاطب ما، مخاطب برنامه‌های نمایشی است (هم فیلم سینمایی هم سریال). یک بخش از کاری که در سازمان انجام دادیم این بود که فیلم‌ها و سریال‌های شرقی را جایگزین فیلم‌ها و سریال‌های آمریکایی کنیم تا فرهنگ آمریکایی و غربی بر آثار نمایشی غلبه نداشته باشد. اساس این رویکرد توجه به فیلم‌های غیر آمریکایی و غیر غربی، رویکرد درستی است. البته در آثار شرقی فیلم‌ها و سریال‌ها و نمایش‌های منفی هم یافت می‌شود که ما به آن‌ها نظر نداریم. به اعتقاد من فیلم‌های سامورایی که جنبه‌های عدالت‌خواهانه و مبارزه با ظلم در جان‌مایه آن‌ها قرار دارد، فیلم‌های خوب و آموزنده‌ای هستند و به نظر من بر خیلی از موضوعات دیگر اولویت دارند. این بحث‌ها برای کشور مفید است و جوان ایرانی امروز باید جوانی شجاع، رزمنده و انقلابی باشد که اگر فردا جنگی روی داد، بتواند از کشورش دفاع کند. پس اصلاً بحث جنگ و خشونت نیست. نگاه ما این گونه نگاهی است.

دکتر امامی: بزرگ‌ترین کار تحقیقی سازمان صدا و سیما تا چند ماه پیش رضایت‌سنجی بود. اخیراً دیگر رضایت‌سنجی هم نیست بلکه مینا تنها تماشای‌سنجی شده است و پژوهشگران آمار تماشای صدا و سیما را می‌سنجند. ملاک مطالعات پژوهشی و سنجش در سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس اثرسنجی باشد. باید بررسی کنید در سریال بزنگاه چه چیزی بین مخاطب ایرانی توسعه پیدا کرد و حقیقتاً چه قدر بندگی و خداترسی تضعیف یا تقویت شد. پس از ماه رمضان امسال با تهیه‌کنندگان بسیاری صحبت کردم و همه تهیه‌کنندگان می‌گفتند اگر عالم و دنیا یا مقوله رسانه ملی مخالفت کنند آب از آب تکان نمی‌خورد چون همه دیدیم سازمان در برنامه‌های اخیر ماه مبارک رمضان چگونه مقاومت کرد و می‌گوید که سوء مدیریتی اتفاق نیفتاده!

مهندس ضرغامی: درباره رضایت‌سنجی و آمار مخاطب، اطلاعات آقای دکتر امامی اشتباه است. نظرسنجی‌های ما به دو صورت هفتگی در سطح تهران و هر چند وقت یک بار در شهرستان‌ها و در سطح ملی انجام می‌شود. پس از پخش یک سریال نمایشی نیز یک نظرسنجی در سطح ملی صورت می‌گیرد. این نظرسنجی‌ها پرسش‌های بسیار زیادی دارد و حداقل اش میزان مخاطب و رضایت‌مندی مخاطب است. بیش از ۱۰ فاکتور در هر نظر سنجی وجود دارد که ما از آن استفاده می‌کنیم. بنابراین رضایت‌سنجی به هیچ‌وجه در پژوهش‌های صدا و سیما حذف نشده بلکه حدود دو سال است که بخش جدیدی به آن اضافه شده و آن هم اثرسنجی است. البته اثرسنجی روش‌های متعددی دارد. بعضی‌ها در دو مرحله قبل و بعد از سریال عمل می‌کنند و برخی به اثرسنجی در میان دو جامعه آماری بعد از پخش سریال (آن‌هایی که دیده‌اند و آن‌هایی که ندیده‌اند) می‌پردازند. البته روش‌های دیگری هم هست که همه باید به این نتیجه برسند که مجموعه تلویزیونی مورد نظر در چه بخشی و از چه جنبه‌هایی بر مخاطب تاثیرگذاری داشته است. البته چون این کار جدیدی است و تازه شروع شده است، نمی‌دانم برای چه حجم و تعداد از مجموعه‌ها تاثیرسنجی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

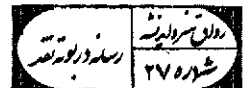
شبکه‌های صدا و سیما باید با رقیب‌های گردن کلفتی رقابت کنند و یکی از رقیبای گردن کلفت ما

ماهواره است. بر اساس آخرین تحقیقات ما که سال قبل انجام شد، ماهواره حداقل در بین ۳۰٪ از مردم پوشش دارد. البته بعضی از بزرگان ما مثل آقای رییس‌جمهور اعتقاد دارند آمار واقعی خیلی بیشتر از این‌هاست. در جلساتی که صحبت می‌کردیم رقم را خیلی بالاتر می‌دیدند. ولی ما تحقیق کردیم دسترسی‌های مردم ۳۰٪ است. البته این درصد میانگین است. در شهرهای بزرگ بیش‌تر است و در روستاها کم‌تر است و البته این آمار در روستاهای مناطق مرزی خیلی زیاد است. ما در یک فضای کاملاً رقابتی هستیم و در افق رسانه توضیح دادیم که امروز رقابت وجود دارد و فضا انحصاری نیست. یعنی ما که حرفی می‌زنیم ۱۰ نفر دیگر هم حرف می‌زنند. ما یک فیلم نمایش می‌دهیم، هزار شبکه دیگر هم فیلم نمایش می‌دهند. طبق آخرین نظرسنجی شبکه فیلم‌های سینمایی به زبان عربی (mbc) فقط آن موقع که زیرنویس‌اش عربی بود، به پر مخاطب‌ترین شبکه ماهواره‌ای تبدیل شده بود؛ چرا؟ تنها به این خاطر که فیلم سینمایی نشان می‌داد. شبکه سینمایی mbc Action با زیرنویس عربی تنها در این مدت ۳۰ فیلم علیه جمهوری اسلامی پخش کرده است. البته مخاطب این فیلم‌ها تنها کسانی نیستند که ماهواره دارند. امروز کنار برخی خیابان‌ها چقدر دست‌فروش می‌بینید که آخرین فیلم‌های آمریکا را با قیمت‌های نازل عرضه می‌کنند، آن هم فیلم‌هایی که همین الان روی پرده سینماهای هالیوود در حال اکران است و البته بدون سانسور. در این چنین فضاهای رقابتی، تلویزیون باید بتواند برنامه‌های سرگرم‌کننده بسازد. بنابراین ما باید کار نمایشی را افزایش دهیم و افزایش هم پیدا کرده است. این که در سال ۱۳۸۷ تولید فیلم نمایشی ما چقدر بوده این را نمی‌دانم، ولی آقای میرباقری می‌توانند بگویند. زمانی که ما متوجه می‌شویم سریالی بسیار پر مخاطب و جذاب در یک ساعتی خاص از ماهواره پخش می‌شود، ما نیز باید در آن ساعت فیلم دیگری پخش کنیم که خیلی‌ها برای این‌که آن فیلم را نبینند، بیایند پای فیلم و سریال جذاب کشور ما. سطح کارهای نمایشی بالا آمده و کارهای فاخری هم دیده می‌شود. تکرار نیز کم شده است. جنگ رسانه یعنی همین. در این فضا گرایش ما به فیلم‌های هالیوودی و آمریکایی کم‌تر است و گرایش مخاطب نیز به سمت فیلم‌های شفاف ایرانی افزایش یافته است. تولید کارهای ایرانی فوق‌العاده بالا رفته و ما از سال گذشته تا به حال حدود ۱۵۰ فیلم از تولیدات خود صدا و سیما را پخش کردیم. تولید انیمیشن از ۵۰ ساعت در سال تقریباً به ۳۰۰ ساعت رسیده است ولی ما هنوز ۳۰ تا ۴۰٪ بیشتر نتوانسته‌ایم جای انیمیشن‌های خارجی را پر کنیم. البته اگر دولت به ما پول بدهد ما می‌توانیم در ۵ سال آینده ۱۰۰٪ خودکفا شویم و دیگر فیلم خارجی وارد نکنیم. این مهم سرمایه‌گذاری می‌خواهد.

یکی از حضار: مگر ما در کتاب برنامه سازمان برای پخش فیلم‌های خارجی محدودیت نداریم؟

فکر می‌کنم ۲۰٪ بود، پرسش من این است که آیا الان این نسبت رعایت می‌شود؟

مهندس ضرغامی: به هر حال ما تا این حد جلو رفتیم و این مسئله در حد توان اصلاح شده است. ولی مهم استدلال است. شما به استدلالی که کردم توجه داشته باشید، چون حجم برنامه‌های نمایشی باید افزایش پیدا کند.

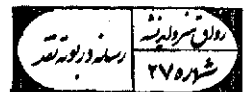
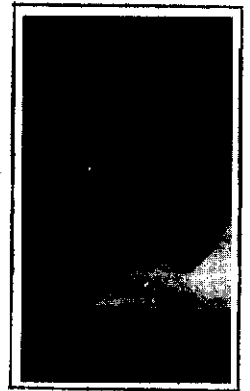




یکی از حضار: شما می‌گویید جنگ رسانه‌ای ولی توجه کنید که تنها و تنها ۳۰٪ مردم ماهواره و آواز و رقص نگاه می‌کنند. این می‌شود ۲۰ میلیون جامعه، پس ما چی؟ ماکه نگاه نمی‌کنیم چی؟ آقای ضرغامی ما این سیاست و این دید را قبول نداریم. چرا باید به خاطر یک جمعیت سی درصدی، کل افراد جامعه بنشینند و آن چیزها را نگاه کنند. اگر ما به عنوان جمعیت هفتاد درصدی جامعه این شکل از برنامه‌ها را نخواهیم، چه باید بکنیم؟

یکی از حضار: اگر قرار است رقابتی نیز با رسانه‌های دیگر صورت پذیرد، نشان دادن سریال‌های این چنینی و جذابیت‌های آن چنانی راه‌حل نخواهد بود. زمانی می‌توانیم رقابت کنیم که بر اساس مزیت رقابتی‌مان که همان تفکر دینی و انقلابی ماست و بی‌آن‌که متوجه باشیم به شدت جهانی شده است، عمل کنیم. مقام معظم رهبری هم پیش‌تر مثالی در این باره زدند که وقتی کلیسا برای جذب مردم از رقص در مناسک دینی استفاده کرد، دیگر فرقی نمی‌کند مردم در فلان سالن برقصند یا در کلیسا. احساس من این است که با این توجیه بسیاری از اهمال‌کاری‌ها در صدا و سیما پوشیده می‌شود. حضرت امام فرمودند آن قدر که پابرهنگان به گردن رادیو و تلویزیون حق دارند، ما نداریم. این یک واقعیت است و تعارف نیست. آنها این نظام را درست کردند و این نهضت را به وجود آوردند. همین جمعیت هستند که پیروزی‌ها را بدست آوردند. صدا و سیما، امروز چقدر رسانه انقلاب اسلامی است؟

مهندس ضرغامی: شما دهه فجر هر سال را دارید می بینید. فضای انقلاب را می بینید. فیلم های پخش نشده دوران انقلاب را می بینید. من فکر نمی کنم که دیگر درباره انقلاب چیز پخش نشده ای در آرشیو صدا و سیما مانده باشد. حتی صحنه هایی که از خارج هم از انقلاب ما ضبط شده بود را هزینه کردیم و خریدیم. الان چهار سال است که این پروژه در حال انجام است. ما به این نتیجه رسیده بودیم که چرا نباید این فیلم ها از رسانه پخش شوند. دلایلی بود. می گفتند در این مملکت درگیری شد، فلان شد، بهمان شد، فلان جا فلان اتفاق افتاد ما دیگر صحنه های این درگیری ها و تخریب ها را نشان ندهیم، شاید مصلحت نباشد. ولی خیلی ها با این دلیل مخالف بودند. گفتند با نمایش این فیلم ها معلوم می شود این انقلاب آن قدر بزرگ هست که اگر کسی سودای نابودی انقلاب را داشته باشد بداند با یک شب و دو شب به دست نیامده که با یک یا دو توطئه از بین برود. این عظمت انقلاب است. در کشور چقدر شهدا دادیم، چه قدر جان ها از دست رفت و چقدر خون ها به زمین ریخت تا به این جا رسیدیم. من برای شب ۲۱ و ۲۲ به همه شبکه ها توصیه می کنم که صدای تیر، رگبار مسلسل ها، صدای گرفتن پادگان ها، آتش زدن در خیابان ها و این حجم مردم که دارند انقلاب را با خون خودشان جلو می برند باید تصویر غالب باشد. آن ها نیز عمل می کنند که معلوم شود مردم آنقدر پای انقلاب زحمت کشیدند و خون دادند. بعد هم اعتقاد دارم انقلاب را نباید سانسور کرد. به ویژه در همین ایام. در این ۳ سال به اندازه کل دوران صدا و سیما، سریال نمایشی ویژه انقلاب ساخته شد. بعضی از آن ها نیز سریال های خوب و تاثیر گذاری بودند. ولی درباره مستندها فقط سال گذشته ۳۳ مستند که بعضی از این مستندها از ۱۵ تا ۲۰ قسمت تشکیل شده بودند، تولید شدند. ۳۳ مستند کم نیست. شما خودتان ببینده اش بودید. چقدر صحنه های جذاب و چقدر صحنه های انقلاب که تا به حال ندیده بودید. این مستندات چقدر جوان ها را پیوند داد با فرهنگ انقلاب! سال اول بازرگان را نشان دادیم گفتند بازرگان را نباید نشان دهید. گفتیم چرا! همه ما ۱۶ بهمن به فرمان امام رفتیم در خیابان ها و این شعار را گفتیم که نخست وزیر ایران مهندس مهدی بازرگان. امام به ملی گرایان راه داد و چند وقت بعد معلوم شد این ها نمی توانند راه انقلاب را جلو ببرند. و خودشان عقب نشینی کردند. اتفاقا یک جلسه در دانشگاه تهران بود که چپی ها شعار می دادند "کارگر، بزرگرم، ما با هم، متحد می شویم" و بعد ادامه می دادند: "درو، درود، درود، درود بر خمینی رهبر انقلاب" تصویر بسیار قشنگی که الان ما در دهه فجر پخش می کنیم. برخی گفتند چرا شما چپی ها را نشان دادید، گفتیم این ها در حد خودشان بوده اند. اتفاقا وقتی نشان می دهیم همه چپی ها جمع شدند و حرفی نداشتند جز این که بگویند درود بر امام، حقایق بسیاری روشن می شود. دفاعیات مرحوم گل سرخی را نیز با توضیحات آقای رحیم پور ازغدی نمایش دادیم. چقدر توضیحات آقای رحیم پور ازغدی دقیق بود. آقای مطهری در کتابش می گوید این ها کمونیست نبودند. دو تا کتاب می خواندند ۴ تا اشکال از مذهبیه ها می دیدند، سپس در زندان و این ور و آن ور می گفتند ما کمونیست هستیم. کسی که دائم از علی و حسین حرف بزند چه جور کمونیستی است؟! ولی وقتی گل سرخی پخش می شود صدها مصاحبه دیگر از مبارزین مسلمان در

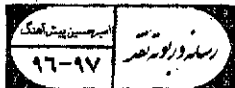
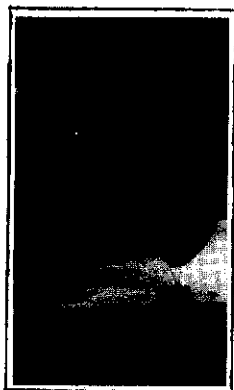


زندان را نیز پخش می‌کنیم. مصاحبه‌ها، شکنجه‌هایی که می‌دهند. ما تاریخ شفاهی ایران را برای اولین بار بسیار با کیفیت بالا آماده و پخش کردیم. همه بزرگان آمدند و حرف زدند. ما این تاریخ شفاهی را ادامه خواهیم داد. امسال هم به مناسبت ایام انقلاب برنامه‌هایی مفصل‌تر از هر سال داریم. کارهای خوبی شده، عناوین خوبی انتخاب شده، تهیه‌کننده‌های خوبی نیز پای این کار هستند. امسال به مناسبت سی‌امین سال انقلاب تدارکات خوبی دیده شده است. یکی هم همین مستندات است.

دکتر جعفری: تا دیروز اجازه نمی‌دائید این‌ها از آنتن پخش شوند، حالا می‌گویید آقا پخش کنید. کار خوبی است ولی این کار پخش و ضبط کار عجیب و غریبی نیست که ما رویش مانور بدهیم. کار برنامه‌سازی کار بسیار پیچیده و بزرگی است ولی ربطی به فرآیند تولید و پخش ندارد. تصمیمات تدارکاتی خیلی خوب است ولی جای فرآیندهای مدیریتی را نمی‌گیرند. تصویرها بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری اصلاح نمی‌شوند مگر این‌که فرآیندهای مدیریتی اصلاح شوند.

مهندس ضرغامی: درباره مستندات عرض نکردیم که تنها تصویر گیر آوردیم، ریختیم روی آنتن. عرض کردم سال گذشته ۳۳ مستند انقلاب پخش شد. یک موضوعی می‌گذاشتیم برای مستند، یک ورودی و خروجی؛ منتهی ماه‌هاش تصاویر جذاب انقلاب بود. ولی متنی که نوشته می‌شود و فکری که فکر می‌کند و چیزی که بعدا منتقل می‌کند، مهم است. برخی تصاویر را درآوردیم. مثلا تصویر بهشت زهرا و غسل‌خانه‌ها که جسدهای شهدا روی هم ریخته شده بود؛ چون این تصاویر بسیار ناراحت کننده از آن طرف یک عده می‌نشینند از رضا ربیع‌پهلوی می‌پرسند چرا پدر عزیز شما با چند شعار و اعتراض کشور را ترک کرد. چرا نایستاد مگر نمی‌خواست ایران را به یک تمدن بزرگ برساند. آرمان مگر نداشت، چرا رفت. او گفت "پدر من مرد خیلی رئوف و دموکراتیکی بود! خیلی مواظب بود که خون از دماغ کسی بیرون نریزد. آخوندها آمدند، فشار آوردند و طوری شد که یک عده از مردم را گول زدند و آن‌ها را مقابل ما قرار دادند. پدر من دید برای مقابله باید آن‌ها را بکشد و چون نمی‌خواست خونی ریخته شود گفت نمی‌خواهم این کار را بکنم. پس از کشور فرار می‌کنم تا خونی ریخته نشود!" حالا ما برای خنثی کردن این حرف‌ها باید چه کنیم؟ اگر یک روحانی، یک تحلیل‌گر بیاید و حرف بزند چقدر تاثیر دارد تا تصاویر غسل‌خانه که جنازه‌ها روی هم است. کسی که نگاه می‌کند می‌گوید عجب، کشتند و همین جور جنازه‌ها را روی هم ریختند. تا آن‌جا که توانستند، کشتند ولی نتوانستند حاکم شوند. یک مستند داریم به نام آب در هاوون. مستند می‌گوید همه قدرت‌ها خواستند شاه را نگه دارند، نتوانستند. این یک موضوع است. امروز هم کاربرد دارد. مرتب می‌خواهند ما را بترسانند. می‌خواهند حمله بشود فلان و بهمان شود. ما می‌گوییم زمان انقلاب هم همه قدرت‌ها آمدند با شاه شراب خوردند، پشتش ایستادند ولی نتوانستند کاری بکنند. من از شما تقاضا می‌کنم کلی قضاوت نکنید. بگویید این مستند ۱۰ قسمتی که می‌خواست این حرف را بزند، ایراد داشت. به ما مشاوره بدهید. در هر صورت این مستندها بر اساس فرآیندی در حال ساخته شدن هستند.

دکتر جعفری: من نگران این مستندهایی هستم که پخش می‌کنید. این برنامه‌هایی که بی‌مهابا



بخش می‌کنید. به نوعی این‌ها می‌تواند آسیب برساند. وقتی کاری فلسفه‌ای پشتش نباشد، هر چقدر هم که کار شده باشد، ناقص است و خوب از آب در نمی‌آید. مستندهایی هم که بخش می‌کنیم مردم فکر می‌کنند انقلاب فقط همین بوده و اگر درست کار نشود، ممکن است از این ناحیه هم آسیب بزند. برای انقلاب هم که سریال ساخته می‌شود، همه بر پایه عشق و عاشقی است و سریال‌ها فقط نشان می‌دهند که دو جوان می‌خواهند به هم برسند. آن وقت فردا می‌گویند عجب انقلابی بود.

مهندسی ضرغامی: در سریال روزگار قریب، شخصیت دکتر قریب الگوی از یک پزشک متعهد است. نمونه‌اش دکتر عباس شیانی یا دکتر حسینی است. این‌ها الگوی انقلاب اسلامی هستند. بنابراین دکتر قریب یعنی شاخص انقلاب؛ کار آقای عیاری یک کار انقلابی بوده است و خواسته فرهنگ انقلاب را تبلیغ کند. سریال مرگ تدریجی یک رویا ممکن است برحسب ظاهر به چشم نیاید. انصافاً آقای جیرانی کار بسیار بزرگی کرده‌اند. امروز یکی از دغدغه‌های ما روشنفکران وابسته است. گروه‌های شان لو نمی‌رود. روشنفکر وابسته یک موقع در میزگرد معلوم می‌شود و یک موقع در یک سریال بسیار جذاب مانند مرگ تدریجی یک رویا. از آقای جیرانی تشکر می‌کنیم به خاطر این کارشان. متأسفانه بعضی از روزنامه‌ها به ایشان سنگین توپیدند و گفتند تو به روشنفکرها خیانت کرده‌ای. این سریال بیانگر یکی از ارزش‌های انقلاب است. نفی وابستگی؛ بسیاری از سریال‌هایی که امروز با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. درباره شاخص‌ها بیشتر آماده‌ام بشنوم. بیاید بگوید ما دوست داریم شاخص‌ها این طوری و این جوری در سریال‌ها مطرح بشود.

یکی از حضار: برای پاسخ شایسته به این پرسش باید با واژه انقلاب و به تبع آن ظرفیت‌هایی که امروز از آن حاصل می‌شود، بیشتر آشنا شویم. مطابق تعریفی که حضرت امام از انقلاب ارائه می‌کنند، انقلاب اسلامی قیامی بود بر علیه جور و تحجر و تلاشی بود برای جایگزینی اسلام پابرهنگان و فقرای دردمند و اسلام ائمه خدا به جای اسلام سرمایه‌داری و اسلام سلطنتی و اسلام مقدس‌نماها و متحجرین. صدا و سیما اگر امروز ادعای انقلابی و دینی بودن دارد شاخص‌هایی که می‌تواند این ادعاها را محک بزند، همین تعاریف و مسائل خواهد بود. سعی می‌کنم به برخی از این شاخص‌ها اشاره کنم. مهم‌ترین شاخصه اسلام ناب که حضرت امام مطرح کردند، جامعیت آن بود. امام شخصاً چه به عنوان یک الگوی فردی و چه به عنوان معمار انقلاب به صورتی جامع به دین نگاه می‌کردند. ایشان در عین حال که به جزئی‌ترین مستحبات فردی و اقدامات اخلاقی متعهد بودند، دغدغه اجتماع و عرصه عمومی کشور را نیز در سر و دل داشتند ولی متأسفانه امروز صدا و سیما دین را به عرصه فردی و اخلاقیات فردی فرو کاسته و آن تجلی عمومی از دین را که قرار بود مناسبات اجتماعی بر اساس آن سامان یافته و سپس رواج یابد، مورد بی‌مهری و فراموشی قرار داده است. در نگاهی که حضرت امام داشتند، امکان ندارد عارف و سالک مسیر حق به قرب الهی برسد مگر آن که در امور اجتماع و در عرصه سیاست ورود کند.

به نظر تقسیم‌بندی سریال‌ها و حتی اخبار به مذهبی و غیرمذهبی حاکی از رخنه نگاه سکولار به



● حجت الاسلام دکتر علی چهرای

دین در صدا و سیما است؛ برای نمونه اخبار دینی را از اخبار غیردینی از این منظر تفکیک می کنند که اخبار دینی تنها اخباری است که به جلسات دینی و مذهبی و قرآنی بپردازد. در حالی که در نگاه دینی روشن بینانه، اخبار دینی باید نگاه دینی را متجلی سازد نه آن که خبر دست چندم از مهاجرت پرندگان دریایی را دارای ارزش خبری دانسته ولی فلان اتفاق که در فلان منطقه محروم کشور افتاده را فاقد ارزش خبری بداند و پخش نکند. همه این بحث ها در نگاه دینی معنا دارد. گاهی الگوهای مذهبی ارائه شده از رسانه بیشتر الگوی ابوموسی اشعری وار است تا الگوی علی وار. چهره ای که از دین در صدا و سیما ارائه می شود چهره ای کاریکاتوری است؛ یعنی توازن بین بخش های مختلف به هم خورده است. نگاه دینی حاکم بر صدا و سیما این گونه است که مباحثی از دین مطرح یا ارائه می شود ولی به ضرایب آن در نسبت با مقولات دیگر توجه نمی شود. امروز نسل جوان ما، نسل سوم و چهارم انقلاب اسلامی است و در مواجهه با کلیت صدا و سیما برداشتی از دین و انقلاب کسب می کند. مخاطب نسل جوان شبکه ۳ سیما زمانی که n تا برنامه فوتبالی از فوتبال های دسته چندم ایتالیا و... را می بیند از انقلاب این تلقی را پیدا می کند که در نگاه انقلاب اسلامی این برنامه ها خیلی مهم تر از برنامه ها یا موضوعاتی است که صدا و سیما به عنوان رسانه انقلاب به آن نپرداخته است. اگر ما این دغدغه را داریم که تلقی درستی از انقلاب به نسل بعدی انعکاس پیدا کند، باید حواسمان به این موارد نیز باشد. یک تعبیر دیگر که مقام معظم رهبری درباره اسلام ناب داشتند، تجلی معنویت، عقلانیت و عدالت بود. ایشان می فرمودند معنویتی که ما از آن سخن می گوئیم، کاملاً عقلانی است. ایشان در دیدار از صدا و سیما فرمودند که بر ترویج درک روشن بینانه از دین تأکید دارم، نه درکی متحجرانه و قشری.

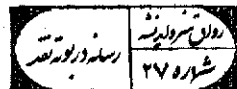
در تعریفی که حضرت آقا از هنر دینی دارند می‌فرمایند هنر دینی، هنری نیست که منافع دینی یا قشری‌گرایی دینی را ترویج کند، بلکه هنر دینی می‌تواند به آرمان‌های دینی مانند عدالت، آزادی و ... بپردازد ولی حتی یک صحنه از نماز یا... را نیز به نمایش نگذارد. من این صحبت مقام معظم رهبری را مقایسه می‌کنم با گفتار یکی از مسئولین صدا و سیما در چند سال پیش که در ارائه آمار آثار دینی از صدا و سیما گفته بود تا کنون چندین هزار صحنه نماز در تلویزیون نشان داده‌ایم.

مهندسی ضرغامی: سعی می‌کنم مبتنی بر همین افق رسانه به شما پاسخ بگویم. بر اساس کلام رهبری، اولین اولویت در برنامه‌سازی ایمان روشن‌بینانه است. یعنی ایمان واقعی که بتواند در زندگی تأثیرگذار باشد. با این‌که باید دین در صدا و سیما از حالت ریاکارانه خارج شود، موافق هستیم. اتفاقاً شما صحبت‌های مرا در اجلاس نماز شنیده‌اید. در همین اجلاس زمانی که هیأت داور عالی و مفصل تشکیلات، صدا و سیما را در میان دیگر دستگاه‌ها به عنوان بالاترین دستگاه در امر ترویج فرهنگ نماز معرفی کرد، من اولین جمله‌ای که گفتم دقیقاً با همین تعبیر بود که نمی‌دانم چرا خوشم نمی‌آید دوستان ما می‌آیند عدد و رقم درباره کارمان به ما تحویل می‌دهند؛ زیرا در این حوزه‌ها عدد و رقم چندان گویا نیست. بله شاید ما در سریال‌های نمایشی هزار بار نماز نمایش داده باشیم ولی سطح تأثیر این کجا، سطح تأثیر نمازی تأثیرگذار در یک سریال پر بیننده کجاست؟ مانند نماز سریال زیر تیغ یا سریال ترکس، آن‌جا که اوج درماندگی است به نماز پناه می‌برد. من معتقد به عدد و رقم نیستم، هر چند که عدد و رقم نیز کم نیست و ما باید به ظواهر نیز دقت کنیم. برای نمونه زمانی که قهرمان داستانتان از کادر بیرون می‌رود، آستین‌هایش را بالا می‌زند هیچ چیز هم نمی‌گوید، ولی معلوم است که می‌خواهد نماز بخواند.

یکی از حضار: نکته دیگری که مقام معظم رهبری در دیدار با صدا و سیما گفتند، وجود پیام‌های متناقض در صدا و سیما است. برای نمونه از یک طرف صدا و سیما در سریال‌های مذهبی و معناگرا یک تلقی سطحی و عوامانه از دین ترویج می‌کند، از یک طرف با میزگردهایی متشکل از کارشناسان می‌گوید دین باید عقلانی باشد و سراغ خرافات نرویم. در حالی که همیشه مخاطب آن مجموعه دراماتیک، مخاطب برنامه کارشناسی نیست.

مهندسی ضرغامی: این میزگردهای سریال‌ها خوب است. به بهانه آن سریال می‌آییم یک مقدار حرف می‌زنیم. مردم می‌خواهند بدانند آن اتفاق چه بود و حالا حرف یک عالم دین یا یک تحلیل‌گر فرهنگی و سیاسی را هم گوش می‌کنند. اتفاقاً این بستری است برای شنیدن حرف‌های خوب.

یکی از حضار: در اصل، بحث ما بحث عدالت بود. مطابق آن اسلامی که حضرت امام و مقام معظم رهبری تعریف فرمودند، نتیجه تحقق دین در جامعه استقرار عدل و قسط است و صدا و سیما به همان نسبت که دینی‌تر می‌شود باید مردمی‌تر شود. به این معنا که چالش‌های اجتماعی و عمومی مردم را به صحنه بکشاند نه یک مسئله یا تلقی قشری گروهی خاص از جامعه. امروز افرادی که هیچ



تریونی در جامعه ندارند کسانی هستند که از سطوح درآمدی پایین‌تری برخوردارند و به تعبیری زیر خط فقر هستند. این را با آمارهایی که خود مسئولین می‌دهند، می‌شود اثبات کرد. صدا و سیما باید تریون مسائل این گروه‌ها باشد. حضرت امام اساسی‌ترین جنگ و چالش نیروهای انقلابی را مبارزه فقر و غنا دانستند و مقام معظم رهبری نیز اولویت اول صدا و سیما را مبارزه با فقر و تبعیض می‌داند. آیا مخاطبی که پای رسانه می‌نشیند چنین تلقی پیدا می‌کند که اولویت اول رسانه انقلاب مبارزه با فقر و فساد و تبعیض است یا تلقی مخاطب این است که در رسانه انقلاب و در نتیجه در این انقلاب، چالش اساسی، جنگ آبی و قرمز است.

مهندسی ضرغامی: معمولاً در شورای سیاست‌گذاری همه افراد در کلیات با یکدیگر موافق هستند ولی هنگامی که روی مصادیق بحث می‌کنیم و فیلمی را بررسی می‌کنیم، بعضی می‌گویند بسیار خوب است و بعضی می‌گویند حتی نمی‌شود این فیلم را نشان داد. ببینید تطبیق مصداق بر شاخص‌ها کار آسانی نیست. در سریال میوه ممنوعه ما یک پیرمرد را نشان می‌دهیم که زندگی ظاهری‌اش مذهبی است ولی ببینید که چقدر تجملات در خانه دارد. از این نمونه‌ها در جامعه کم نداریم. این در راستای همان بحث عدالت‌خواهانه است. آدمی که می‌گوید من ثروت میلیاردی دارم ولی خمس و زکات را می‌دهم پس می‌توانم در این قصرها زندگی کنم. شما از ما می‌خواهید با این‌ها مبارزه کنیم، حرفتان درست است، ولی مبارزه در نوع خودش، مبتنی بر همان فرهنگ پابرهنگی که امام می‌گوید. حرف شما درست است خُب ما نشان می‌دهیم که این مرد بازاری پول دارد، امکانات دارد بر حسب ظاهر خوف هم دارد ولی شیطان سراغش می‌آید و دل می‌بندد به کسی که جای دخترش است. هرچند در آخر نیز توبه می‌کند. یک روحانی موجهی او را هدایت می‌کند و او را آرام آرام به مسیر اصلی رهنمون می‌کند. این همان جایگاه روحانی است. میوه ممنوعه در واقع نشان می‌دهد که دل به یک سری عبادات خودمان نبندیم. دل به یک سری پشتوانه‌های ظاهری نبندیم. ایمان ظاهری در این فیلم متجلی می‌شود ولی شخصیت‌های بسیار برجسته‌ای که همه آن‌ها مورد احترام ما هستند به من می‌گویند: واقعا آقای ضرغامی شما نشان دادید که یک حاجی بازاری آمد و یک دختر منحرفش کرد؟ این هم حرف درستی است و آن‌ها نیز حق دارند. منظورم این است که همیشه دو گونه قضاوت وجود دارد که هر دو نیز درست هستند.

ما امروز اصل ۴۴ را داریم. اصل ۴۴ چیست؟ واگذاری کارخانه‌ها به بخش خصوصی که امروز، هم نیاز و هم مصلحت کشور است و آن قدر مهم است که رهبری عزیز مرتب به ما تذکر می‌دهند. حتی همه مسئولین (در حدود ۲۰۰ نفر از مدیران کشور) را جمع می‌کنند و می‌گویند این کار باید بشود، ما الان عقب هستیم و باید اقتصاد را به دست مردم بدهیم. مسئولین هم کار می‌کنند. اتفاقاً بر جنبه‌های عدالت‌خواهانه‌اش هم کار می‌کنند. ولی در همین مسئله دو رویکرد وجود دارد: اول آن که تکلیف این فاصله طبقاتی چه می‌شود؟! یا اصلاً چطور می‌شود که یک نفر ۳۰۰۰ میلیارد تومان پول داشته باشد!!



(اشاره به خریدار سهام فولاد) ولی از طرف دیگر هم این فرد ادعا می‌کند می‌خواهد به دولت کمک کند. درست هم هست، البته می‌دانم این‌ها محاسبه‌شان چیست و زمانی که می‌آیند و این کارها را انجام می‌دهند، با چه محاسبه‌ای آمده‌اند. ولی به هر حال ما موظفیم در چهارچوب انتخاب برای آن چه که به نفع جامعه است جلو برویم. در کنار آن نیز همه چهارچوب‌های عدالت‌خواهانه در شاخص‌های خودشان پی‌گیری می‌شوند. در هر صورت همه این مسائل باید در کنار هم بررسی شوند.

دکتر امامی: ولی مسئله، مسئله نقد و رایزنی در سازمان صدا و سیما است. سازمان صدا و سیما آیینة تمام‌نمای تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران است. بی‌شک گره زدن خرد سازمان به خرد جمعی و خرد نخبگان و اندیشمندان و خردورزان، خود عین خردورزی است. عاقل‌ترین انسان‌ها کسانی هستند که مشورت می‌کنند و اجازه می‌دهند که نقد شوند. ولی امروز بسیاری از اندیشمندان می‌گویند ما حاضر نیستیم با صدا و سیما مصاحبه کنیم، چه رسد به این که آن را نقد کنیم. بی‌شک این دلیلی دارد و من گمان می‌کنم دلیل آن سانسور نقد است.

مهندس ضرغامی: در حال حاضر بسیاری از نخبگان و شخصیت‌های برجسته کشور هم چون علمای عظام تقلید برنامه‌های ۵ دقیقه‌ای برای رسانه ملی ضبط می‌کنند. بالاترین نخبگان ما مراجع معظم تقلید هستند. شبکه معارف را نگاه کنید! نخبگانی چون **آیت‌الله جوادی آملی** و **آیت‌الله مصباح یزدی** حضور دارند. شخصیت‌های دانشگاهی نیز به همین ترتیب است. اتفاقاً مشکل ما در جایی است

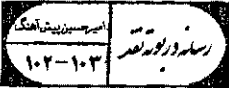
که برخی از اساتید از این که کمتر به برنامه‌های دعوت می‌شوند گله می‌کنند. مشکل ما نخبگان نیستند؛ آن‌ها حضورشان خوب است.

دکتر امامی: برای نمونه تنها جلسه‌ای که در ده سال گذشته مقام معظم رهبری با دانشجویان داشتند و صحبت‌های آن پخش نشد، صحبت یک خانم دانشجویی بود که در نقد سازمان صدا و سیما نکات ارزنده‌ای گفت و مقام معظم رهبری نیز پس از تأیید صحبت‌های آن دانشجو گفتند: البته سازمان صدا و سیما اقتضائات خودش را دارد. آن صحبت‌ها که پخش نشد هیچ، صحبت‌های آقا نیز به شدت فید شدند (البته در تلویزیون تکنیک‌های مختلفی برای فید کردن وجود دارد) و در خبر ساعت ۸ صبح روز بعد نیز عمداً این قسمت از صحبت‌های آقا حذف شد و پخش نشد. البته معاونت صدا همه خبرها را ضبط می‌کند و احتمالاً سند ادعایم باید در سایت نیز باشد. به هر حال نقد هم باید سازنده باشد و هم سرجای خودش قرار بگیرد که امیدواریم این اتفاق در سازمان بیفتد.

مهندس ضرغامی: حقیقت این است که تمام آن جلسه رهبری پخش شد. من از گفته‌های دکتر امامی تعجب می‌کنم؛ حتماً آقای دکتر امامی وقت نکردند، ببینند. اتفاقاً این برنامه در ساعتی پخش شد که با زمان سریال‌های دیگر تداخل پیدا نکند و ما بهترین زمان را برای فرمایشات آقا انتخاب کردیم. از قضا با تأکیدی که من داشتم، صحبت‌های آن دختر خانم پیرامون صدا و سیما زمانی پخش شد که هیچ کار نمایشی در شبکه‌های دیگر نبود و صحبت‌های این دختر خانم در بالاترین سطح از سوی مخاطب شنیده شد؛ چرا که معتمد مردم بهتر از هر کسی قضاوت می‌کنند.

یکی از حضار: طبق قانون اساسی در کشور حاکمیت باید متعلق به گفتمان رهبری باشد. صدا و سیما نیز به عنوان نهادی که مستقیماً زیر نظر رهبری کار می‌کند و مسئول آن نیز مستقیماً با نظر ایشان منسوب می‌شود باید تلاشش در جهت حاکمیت گفتمان رهبری در کشور باشد. معتقدیم که صدا و سیما کشور ما در جهت حاکمیت گفتمان رهبری در کشور کار نمی‌کند. برای نمونه می‌گوییم در حوزه اقتصاد، گفتمان حاکم، گفتمان اصل ۴۴ است. صدا و سیما براساس اصل مطالبه و پاسخ‌گویی مسئولین باید فرهنگ‌سازی کند ولی این فرهنگ هنوز در خود صدا و سیما فرهنگ‌سازی نشده است. چرا صدا و سیما باید اصل ۴۴ را کنار بگذارد و مقام معظم رهبری باید ناراحت باشد و بگوید شما کار نمی‌کنید. زمانی که رهبری می‌گوید آزاداندیشی باید نهادینه شود و کرسی‌های مناظره و آزاداندیشی باید در کشور فعال باشند، مسئولین حوزوی و دانشگاهی ما باید جواب دهند برای این مهم چه کرده‌اند و تا کتون چند کرسی مناظره ایجاد کرده‌اند و صدا و سیما نیز باید این را مطالبه کند. من نه روشنفکر هستم و نه اصلاح‌طلب و نه جزو اصول‌گرایان... من به عنوان یک حزب‌اللهی صحبت می‌کنم. معتقدم طبق هر چه ایشان گفتند بحث کنیم.

من در معاونت سیاسی کشور مشغول به کار بودم. بحث اصلی من هم درباره‌ی خبر و معاونت‌های صدا و سیما است. یک پدیده‌ی در کشور وجود دارد و آن پدیده‌ی خودمعمطم‌پنداری است. بخش زیادی



از مسئولین کشور ما گاهی اوقات فکر می‌کنند رهبر کشور هستند. البته دیگران می‌توانند حرف‌هایی داشته باشند ولی نه در موازات صحبت‌های ایشان (مقام معظم رهبری). صدا و سیما به جای پخش صرف سخنان مسئولین کشور باید به تعارضات این سخنان با گفتمان رهبری بپردازد و بپرسد که این حرف، مخالف یا مغایر یا متفاوت با گفتمان رهبری چه توجیهی دارد و برای چه و با چه استنادی مطرح شده است. مطالبات و دستورات مقام معظم رهبری باید کی و کجا انجام شود؟؟ متأسفانه شما به این فرهنگ دامن می‌زنید که گفتمان رهبری در کشور تعطیل شود.

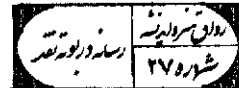
مهندس ضرغامی: این که گفتید گفتمان رهبری در اولویت است، کاملاً درست است؛ یعنی آن چه که در کشور حاکمیت دارد گفتمان رهبری است چه در مجاری و چه در اجرا. در صدا و سیما نیز هم ما گفتمان رهبری است. حتماً نامه مرا به حضرت آقا دیده‌اید. در مسئله انتخابات که ایشان از صدا و سیما تشکر کردند من به ایشان نوشتم:

آقا ما در این حد از شایستگی نیستیم که شما این تعبیر را برای ما به کار بردید، اگر کار خوبی انجام می‌شود به خاطر توجه به رهنمودهای شماست و اگر کار بدی هم تولید می‌شود به خاطر من مدیر اجرایی صدا و سیما است که نتوانستم گفتمان رهبری را اجرا کنم.

من برای همین برای ایشان نامه می‌نویسم. ما ابایی از گفتن این واقعیت نداریم. آن چه که باید انجام بگیرد گفتمان رهبری است. اتفاقاً فصل الخطاب در آن جا که دعواها حل می‌شود، همین گفتمان رهبری است ولی دقت بفرمایید، گفتمان رهبری و دستورات رهبری که چراغ راه ماست، گاهی ممکن است جامعیتی بین چند دستور باشد و چند دستور قرار است با یکدیگر اجرا شود. آن جایی که باید ارزیابی شود در حد بضاعت، جامعیت آن مطالب مختلف که در شرایط مختلف نیز ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشند، مورد توجه رسانه ملی است. خیلی وقت‌ها هم ممکن است ما ضعف داشته باشیم و نتوانیم آن جامعیت را برقرار و اجرا کنیم.

یکی از حضار: از آقای ضرغامی می‌خواهیم که به ما فرصتی بدهد تا در عرصه فرهنگ و اقتصاد به مانند همین برنامه ۹۰ برنامه‌ای داشته باشیم و مسئولین را در همه عرصه‌ها به چالش بکشیم. پس از این که شما رییس صدا و سیما شدید یک بحث چند صدایی در سیما شکل گرفت که شعار شما بود. ولی آن شعارها دیگر از طرف شما قطع شد و کسی از شما کلمه چند صدایی را نشنید. در این دو، سه سال اخیر هم در کل این شعار به فراموشی سپرده شد. کمرنگ شدن این مسئله در رسانه به نظام ضربه خواهد زد. از این جلسات شاید بحث اجرایی خوبی گرفته نشود. شاید چاره کار ما همان ۹۰ سیاسی باشد. ما از شما هیچ نمی‌خواهیم جز برنامه ۹۰ سیاسی و ۹۰ مطبوعاتی.

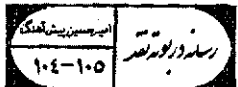
مهندس ضرغامی: امیدواریم ما هم در صدا و سیما بتوانیم ۹۰ فرهنگی و سیاسی بسازیم. من از شما خیلی بیشتر علاقه‌مند هستم. ۹۰ سیاسی و فرهنگی بسازیم. یک طرفش هم شما باشید. حالا من به شما ماموریت فرهنگی می‌دهم. سه چار تا ۹۰ فرهنگی بسازید بعد بدهید به من. ببینیم چه کار می‌توانیم بکنیم. ببینیم می‌توانیم ۹۰ سیاسی و فرهنگی را با هم بسازیم. در حوزه چند صدایی البته

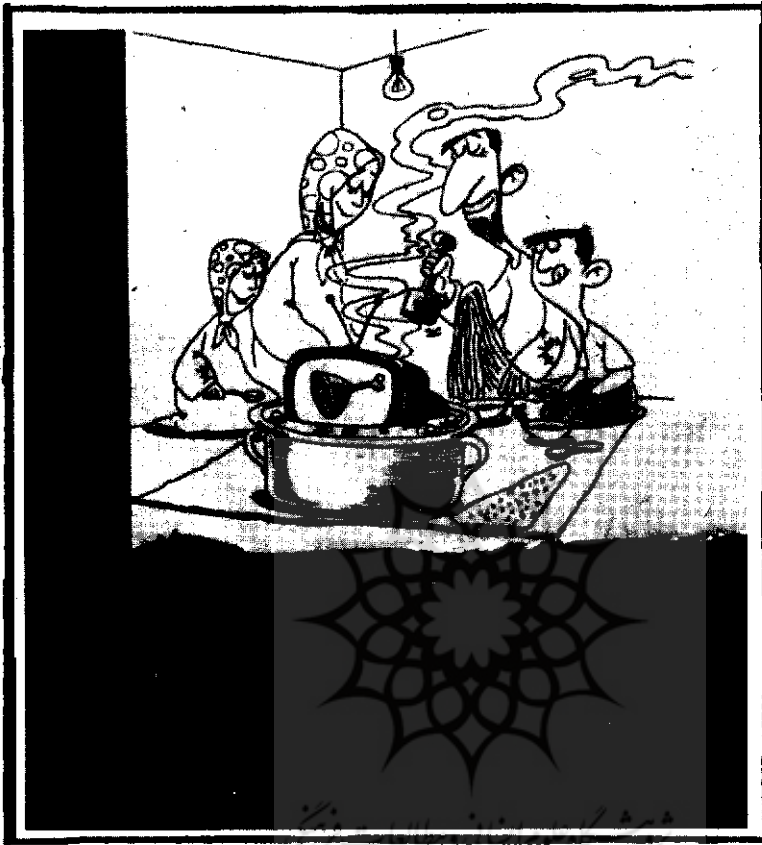


شما راست می‌گویید، من یک مدت مرتب می‌گفتم چندصدایی. ولی بعد از مدتی گفتم، چرا چند صدایی؟! آزاداندیشی که کلمه بسیار بهتر و کامل‌تری است. آزاداندیشی گفتمان رهبری است. بنابراین دیگر کسی از من کلمه چندصدایی را نشنید چون متوجه شدم این جامعیتی که در واژه و مفهوم آزاداندیشی است در این کلمه چندصدایی نیست. ولی آیا با این کلمه و گفتن آن همه چیز درست می‌شود؟

در تجلیل از چهره‌های ماندگار دیدید که من از شما صریح‌تر گفتم. گفتم این جمله رهبری درباره آزاداندیشی است. کسی اگر نداند این مطالب کلام رهبری است، وقتی آن را می‌خواند تعجب می‌کند اگر بفهمد این را رهبر یک نظام می‌گوید. چه بیاناتی و چه واژه‌های دقیق و بلندی! ایشان در پاسخ به سخنرانی رحیم پور ازغدی و دانش‌آموختگان درباره آزاداندیشی بیاناتی گفتند که صدها بار باید خوانده شود. ولی همان‌طور که در جاهای دیگر نیز گفته‌ام ما در آزاداندیشی خیلی عقب هستیم. آیا رهبری از فضای آزاداندیشی در کشور راضی است؟ در این زمینه چیزی از ایشان نشنیدم ولی به عنوان کسی که با ایشان کار می‌کند، برداشتم این است که ایشان از فضای آزاداندیشی کشور راضی نیستند. آن گفتمان بلند با این فضایی که هست فاصله‌ها دارد. خُب چه کسی مقصر است؟ دیدید که با صراحت گفتم اول مقصر صدا و سیما است. متهم ردیف اول صدا و سیما است. چرا؟ حاضریم به شما بگویم که چرا ما متهم هستیم. ولی دانشگاه‌ها نیز مقصرند. در دانشگاه‌ها آزاداندیشی مرده است. شما این میزگردهای آزاداندیشی را بگذارید، ببینید پخش می‌شود یا نه. من آماده‌ام. من گفته‌ام که مشکل در دانشگاه‌ها است. توصیه رهبری این است که ما در دانشگاه‌ها برویم و با دانشجویان حرف بزنیم. می‌خواهم به دانشگاه‌های دیگر هم بروم حرف‌های آن‌ها را هم بشنوم، همه جا فضا این گونه نیست. این که بتوانیم با یک مبانی مشترک با هم صحبت کنیم در دانشگاه‌های دیگر نیست این فضا. الان می‌گویم آزاداندیشی در دانشگاه‌ها مرده است. در دانشگاه امام صادق هم مرده است. میزگرد سنگین و قوی بگذارید. خودم می‌دانستم بچه‌ها صحبت‌های بسیار خوبی دارند و سخن‌های بسیار تند و تیزی نسبت به صدا و سیما خواهند گفت، پس گفتم همه این‌ها را بگذارید پخش شود و تندترین حرف‌های بچه‌ها را بگذارید تیزتر تبلیغاتی و ده بار پخش کنید تا معلوم شود این روحیه سرزندگی، شجاعت و دلسوزی برای نظام در دانشجویهای ما وجود دارد. متأسفانه شما مانع شدید و این اتفاق نیفتاد. اشکالی هم ندارد. من هدفم این است که صحبت‌های شما منعکس شود. من توضیحات خودم را منعکس نمی‌کنم ولی حرف‌های شما باید منعکس شود و مردم بدانند که شما چه می‌گویید. بنابراین در حوزه چندصدایی (به تعبیر شما) و آزاداندیشی (در گفتمان رهبری) ما ضعف داریم. ان‌شاءالله شما به ما کمک کنید تا برطرف شود.

دکتر جعفری: دانشکده صدا و سیما که از قبل انقلاب نیز بوده است به تعبیر مقام معظم رهبری قلب یا نبض صدا و سیما است، هر گاه خواستید بدانید حال این بدن خوب است یا بد است، نبض آن را بگیرید. من در این دانشکده صدا و سیما درس خوانده‌ام و بالاترین نمره را هم از پایان‌نامه‌ام





گرفته‌ام. این‌جا عرض می‌کنم دانشکده صدا و سیما تبهیدگاه مدیران سازمان است. هرگاه می‌خواهند مدیری را از یک جایی بردارند، او را می‌فرستند دانشکده کار علمی انجام دهد؛ دانشکده صدا و سیمایی که برای ارتباطات ساخته شده است، یک گروه ارتباطات هم نداشت؛ دانشکده صدا و سیمایی که تبدیل شده است به محل ژست گرفتن‌های عملی مدیران سازمان؛ دانشکده صدا و سیمایی که در بحث حجاب و عفاف تنها دانشکده‌ای است در جمهوری اسلامی که بوفه‌اش مختلط است. خروجی دانشکده، پایان‌نامه‌های آن است. کدام پایان‌نامه است که خودشان روی‌شان می‌شود به آن استاد کنند و بر مبنای آن یک کاری را صورت دهند؟

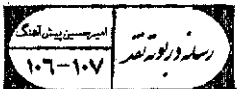
مهندس ضرغامی: مدیریت دانشکده آقای دکتر حسینی از شخصیت‌های برجسته سازمان صدا و سیما هستند. ایشان دکترا دارند، استاد دانشگاه هستند. به ایشان دکترای فلسفه هم هستند. تخصص

ایشان فلسفه است و در مدیریت‌های مختلف هم کار می‌کنند. خود من رشته‌ام عمران امیر کبیر است. بعدها هم شما رشته‌های‌تان ممکن است یک چیز باشد ولی در یک زمینه دیگر نیز متخصص شوید، این اشکال ندارد. آقای ولایتی که ۱۴ سال وزیر امور خارجه بودند، متخصص کودکان هستند و در رسانه نیز دیدید آمدند و پای سریال دکتر قریب (روزگار قریب) ایستادند و همکاری بسیاری کردند. آقای دکتر حسینی از مدیران خوب کشور هستند. ۸ سال رادیو/ایران را به خوبی اداره کردند و البته در هر سازمانی پس از مدتی چرخش‌های شغلی انجام می‌شود. چرخش شغلی در مدیریت یک امر درستی است. من که دو سه واحد مدیریت دزس می‌دهم درباره همین بحث گفته‌ام که وقتی مدیری در یک جایی خسته می‌شود، می‌توان با بخش‌های مشابه آن هم توسعه شغلی ایجاد کرد و هم چرخش شغلی. شما این را در مدیریت می‌خوانید. از زمانی هم که آقای دکتر حسینی به دانشکده آمدند به نظر من با زحمتهایی که ایشان کشیدند، دانشکده یک پله جلوتر رفت. البته من هم مثل شما معتقدم همه بخش‌های کار ما آرمانی نیست. به همین منظور داریم یک بازنگری کامل روی دانشکده انجام می‌دهیم. تمام نیازها را مجدداً درآوردیم. بعضی از شغل‌های فنی دیگر به درد ما نمی‌خورد. ما مقابله‌های سازمانی هم داریم. رایانه پیشرفت کرده و بیشتر پردستی‌ها در کار تولید به سمت رایانه رفته است. در حال ارائه طرح درسی‌های جدید هستیم و آن‌ها را توسعه می‌دهیم. رشته‌های جدیدی نیز معرفی می‌کنیم و اولویت را می‌بریم به سمت بخش‌های تکمیلی و سعی می‌کنیم در کارشناسی بیشتر از دانشکده‌های دیگر استفاده کنیم. در کل یک طرح تحول بزرگ برای دانشکده در حال نوشته شدن است تا آن‌شاه... بتوانیم به دانشکده رسیدگی بیشتری بکنیم.

دکتر جعفری: اگر فرآیندهای سازمان اصلاح نشود و مدیریت علمی در سازمان صدا و سیما حاکم نشود و این بنیان سیاسی که از قدیم در صدا و سیما گذاشته شده اصلاح نشود و یک رویه علمی به جای آن حاکم نشود، صدا و سیما هرچه قدر وارد حوزه‌های ارزشمندتری شود، بیشتر خراب می‌کند. برای نمونه زمانی که صدا و سیما تصمیم گرفت حجاب را تبلیغ کند در برنامه‌های نمایشی خانم‌های چادری‌ای را وارد کرد که همه یا بیکارند یا... الان هم که چادر تبدیل شده به شل. شل هم حجاب نیست، لباس است. در فرهنگ صدا و سیما شل به جای چادر پاب شده است.

مهندس ضرغامی: ما در برنامه‌های‌مان چادر را به عنوان حجاب برتر مطرح می‌کنیم. در سریال‌هایی قهرمان مثبت داستان را چادری می‌گذاریم و این، جا می‌افتد که یک فرد چادری می‌تواند تا این حد در صحنه‌های اجتماعی حضور داشته باشد. البته در یک مواردی هم ممکن است پرداختش ضعیف شده باشد. این طبیعی است که خیلی وقت‌ها در حوزه عمل و کار نمایشی آن‌چه می‌خواهیم، صد در صد حاصل نشود. ولی در کل به این مسئله توجه داریم.

به خاطر پوشش ما خیلی از کارها را نمی‌توانیم انجام دهیم؛ از حوزه ورزش بگیرد تا جاهای دیگر. شما به ما کمک کنید و تمام پوشش‌هایی را که الان در صدا و سیما است (چه قهرمانان نمایشی چه مجریان، چه مثبت و چه منفی، فرق نمی‌کند) استخراج کنید و سپس برای ما بیاورید و ثابت کنید که



مثلا پوشش این نقش منفی اسلامی نیست. آن وقت ما آقای میرلوحی را دعوت می‌کنیم که بیاید و از ایشان بپرسیم که آیا این پوشش اسلامی نیست. از لحاظ دراماتیک هم شما عالمانه به قضیه نگاه کنید. کار دراماتیک هم برای خودش قواعدی دارد. آن کسی که اسمش مذهبی است و چادر دارد، همان اول معلوم می‌شود که این آدم تا آخر آدم خوبی است. یک بار در مجلس شورای اسلامی گفتم کامران، به آقای لنگرانی برخورد. من به ایشان گفتم حالا همه کامران‌ها که مثل شما نیستند. من کوه که می‌روم خیلی از تیپ‌هایی که آن‌جا می‌روند به من اعتراض می‌کنند که چرا این اسم‌ها را منفی می‌گذارید که خُب توضیحات خاص خودش را دارد. بنابراین اگر بگوییم از همان اول چادر برای نقش مثبت است، دیگر تمام قصه لو رفته و معلوم نیست دیگر مردم باید چه ببینند. در کارهای نمایشی آن که ریش دارد معلوم است که آدم خوبه است دیگر؛ آن که ریش‌اش را زده آدم بده است. این‌ها هم باید دقت شود ما که با کسی شوخی نداریم. نمی‌توانیم همه چیز را رو کنیم آن وقت دست ما از همان اول رو می‌شود. بله ما باید ترکیب عالمانه‌ای به کار ببریم. به خصوص در کارهای دراماتیک که هم دست ما رو نشود، هم بتوانیم کار را تا آخر پیش ببریم.

در همین سریال مثل هیچ کس اسم نقش منفی نیز محمداقبر بود، یکی از سنگین‌ترین اسم‌های مذهبی. البته بعدش این فرد درست شد ولی معلوم می‌شود می‌توان فضای مذهبی را طوری ترسیم کرد آن که نقش منفی اسمش محمداقبر باشد و مخاطب اذیت نشود. با اسم‌ها و پوشش‌های مناسب هم می‌شود کارهای شایسته و فاخر تحویل داد که قابل تقدیر باشد.

یکی از حضار: جناب آیت‌الله مهدوی کنی تعریف می‌کردند یک زمانی انتقادی کرده بودند به هفته‌نامه ایران جوان. چون یک مصاحبه از نماز گرفته بود. در آن مطلب با شهرام و کیوان و این‌ها صحبت کرده بود. ایشان امام جمعه بودند. گفتند جمع کنید این هفته‌نامه‌ها را اگر راست می‌گویید بیایید و از بچه‌های ما (که اسامی اسلامی دارند) مصاحبه بگیرید. وقتی ایشان به منزل می‌روند، خانمی به ایشان زنگ می‌زند و گوید من یکی از مقلدین شما هستم. اسم من هم هلن است! ایشان هفته بعد آمدند عنبرخواهی کردند. اسم همسر شهید همت هم زیلا بود. حالا این اسامی خیلی ترسناک هستند که ما بخواهیم بگوییم؟

دکتر جعفری: یکی دیگر از مواردی که به دلیل عدم نگاه علمی و فرهنگی در برنامه‌های تلویزیون روی داده است این است که روحانی تقلیل پیدا کرده به مددکار اجتماعی. نه منبری، نه محرابی، نه نمازی! روحانی در سریال‌های شما آیه‌ای را که بجه‌های دبستانی بلدند، اشتباه خواند. تازه عمامه‌اش را هم برعکس گذاشته بود. روحانیت حساب و کتابی دارد. باید اخلاق بلد باشد. زمانی که با نامحرم صحبت می‌کند سرش پایین باشد نه این‌که زل بزند در چشم نامحرم. از یک سو سازمان صدا و سیما بر روی ارتباط با مراجع تأکید می‌کند از سوی دیگر در بحث کارشناسی مذهبی تا این حد ضعف دارد.

مهندس ضرغامی: یک زمان ما شخصیت‌های برجسته می‌آوریم و می‌خواهیم تراز سخنرانی‌ها را بالا ببریم. این هیچ ربطی به این‌که کار در حوزه‌های دیگر ضعیف است، ندارد. همه این‌ها را در جای خودش تحلیل کنید. تازه در همین زمینه هم بگذارید من درد و دل نکنم که بعضی از بزرگان که می‌آیند و صحبت می‌کنند چه چیزهایی مطرح می‌کنند که قابل بخش نیست. همین سریال روز حسرت دوستان ما در شبکه یک بارها به قم سفر کردند تا مثلاً دیالوگ‌های آقای اسماعیل خلیج آماده شود و انصافاً تمام مسائل مربوط به عرفان‌های خرافی به زیبایی و به طور کامل نقد می‌شود و از دیگر سو نگاه دقیق عرفان اسلامی به برزخ را بیان می‌کند. علمای بزرگی با ما همکاری کردند تا این مطالب هماهنگ شد. آقای صادقی مدیر مرکز پژوهش‌های اسلامی سازمان به من گفتند واقعاً ما در این کار و برای همین چند سکانس پیچیده‌ی معارفی خیلی‌ها را به کار گرفتیم. من به ایشان گفتم چرا شما از این همه فرد استفاده کردید ولی فقط اسم یک نفر را می‌نویسید؟ به جای این‌که بنویسید حجت‌الاسلام بنویسید حوزه علمیّه قم، بنویسید مرکز پژوهش‌های قم. در این حوزه چه کسانی به ما کمک کردند. دانشکده‌هایی که تحقیق و پژوهش کردند. پس این طور نیست که فقط یک مشاور وجود داشته باشد بلکه ممکن است تنها یک فرد را به صورت شاخص مطرح کنند.

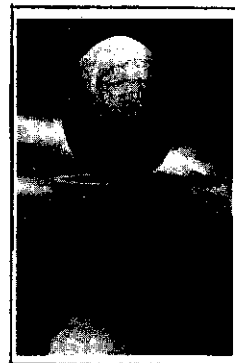
یکی از حضار: شما گفتید باید هنر را در کارهای نمایشی لحاظ بکنیم. منتهی مثالی که زدید درباره دیالوگ‌های روز حسرت بود. از کارشناسان سریال هم پرسیده بودم گفتند از ضعف‌های داستان این بود که به طور مثال کاراکتر روحانی، وسط سریال تقریرات فلسفی حضرت امام بر معاد جسمانی

را بیان می‌کرد. فکر می‌کنم اگر قرار باشد که ما از هنر در کارهای نمایشی استفاده کنیم دیگر نباید روحانی فیلم بیاید منبر و تقریرات فلسفی حضرت امام را بگویند و مشکل معاد جسمانی را بر طرف کند. این‌ها با یکدیگر تناقض دارند.

مهندس ضرغامی: فکر کردم می‌خواهید بگویید نکته مثبتش این است.

همان فرد: نخیر! عرض کردم اشکالش این بود. اشکالش هم این است که این یک منبر است و از ابزار هنر استفاده نشده است. شما عرض کردید که عرضه دین در رسانه باید دراماتیک باشد و از ابزارهای هنر به نحوی استفاده شود که زیبا جلوه کند. ولی آن‌چه در تفهیم مفاهیم فلسفی و عرفانی برزخ در فیلم روز حسرت دیدیم، فاقد این ویژگی بود.

مهندس ضرغامی: این که کارهای نمایشی و دراماتیک اقتضائات خودش را دارد، سخن درستی است. شما روحانی را می‌آوزید یک بعدش را نشان می‌دهید. وقتی مصداق‌ها مطرح می‌شود ما نیز سراغ مصداق‌ها می‌رویم. البته سریال روز حسرت اشکالاتی نیز داشت؛ ولی در خصوص چهره دین و روحانیت در این سریال باید بگویم که ما در این سریال سه چهره از روحانی نشان دادیم و در این کار نیز موفق بودیم. یکی از این سه چهره در دو، سه سکانس مهم، ناظر بود بر نگاهی فلسفی و دقیق به یکی از پیچیده‌ترین بحث‌های فلسفی امروز یعنی معنویت‌های خرافی. امروز معنویت‌های خرافی بیداد می‌کند. من روی این موضوع کار کردم و اگر خواستید یک روز درباره علل گرایش مردم به سمت یک معنویت خرافی برای شما بحث خواهیم کرد. این که چرا عده‌ای سنگی را در بیابان می‌بینند و بعد می‌گویند این مکه است و تازه از آن شفا می‌خواهند. یا این که چرا کسی ادعا می‌کند من خدا هستم و بعد گروهی نیز او را می‌پرستند و حتی سجده می‌کنند. این‌ها پیش‌تر بحث شده و من الان در حوزه دین آسیب‌شناسی‌ای دارم که چرا ما ناگهان مسیرهایی می‌بینیم که مصداق خرافی پرستی و شیطان پرستی است. البته شبکه‌های ماهواره‌ای این خرافات‌ها را تبلیغ می‌کنند. ما بُعد فلسفی برزخ و حوزه ماوراءالطبیعه و حوزه‌هایی که باید کشف شوند را بر دوش یک روحانی در یک جایگاه معنوی و والا در داستان قرار دادیم آن هم مبتنی بر آراء آیت‌الله جوادی آملی، شهید مطهری و حضرت امام (ره).



در ضمن در حوزه دراماتیک آن قدر این قصه کشش داشت که وقتی در آن صحنه خاص آقای خلیج برای این خانم که مشکل پیدا کرده بود توضیحاتی می داد، به لحاظ دراماتیک واقعا جذابیت داشت و بیننده را به تماشا ترغیب می کرد. البته آقای خلیج نیز زمانی که می خواست در این حوزه حرفی بزند، اتفاقاً هم دقیق حرف می زد و هم کوتاه. چهره دیگری هم در همین بُعد از روحانی تصویر شد که شخصیت حاج رضا برای مسائل شرعی اش نزد او می رفت و او هم حاج رضا را روشن می کرد و نظر شریعت را برای او توضیح می داد. یک روحانی هم درباره احکام دین یک وجهه دیگر از روحانیت را نشان داد. یک وجهه دیگر از روحانیت رهنمود است. برخوردهای اخلاقی است. روحانی دیگری که آن جا بود مرتباً بحث های اخلاقی می کرد. روحانیت ما مگر چه کار می کند؟

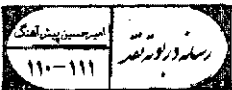
۱. هدایت اخلاقی می کند.

۲. احکام دین را می گوید.

۳. در موضوعات پیچیده فلسفی و فکری هدایت می کند.

هر سه این ها در روز حسرت بود. یعنی واقعا تلاش شد. البته به قول شما می توانیم اصلا وارد این حوزه ها نشویم. چون اگر وارد شویم شیطانی هم که می خواهیم نشان دهیم [سریال اغما] که به شکل های مختلف در می آید و نامش الیاس است، اعتراض می کنند که چرا اسمش الیاس است. الیاس نام پیامبر است وقتی با چهره مثبت می آید اسمش هم مثبت است. حالا اسم های دیگر دینی هم می توان گذاشت، الیاس گذاشتیم چون ظاهر مذهبی دارد، هر چند شیطان است. اگر ما بخواهیم وارد این ها شویم پس اصلا نباید بسازیم. به هر حال به نظر من آن چه از روحانیت نشان داده شده چهره بسیار موجه و خوبی است.

یکی از حضار: مطلب دیگری نیز درباره روحانیت وجود دارد و آن درباره رفت و آمدهای مسئولین کشور از جمله شما به قم است. آقای مهدوی کنی به ما یاد دادند که احترام همه آیت الله های کشور و بزرگان سیاسی را نگه داریم. یعنی نه جرات داریم حرف بزنیم نه اعتراض کنیم. معاونت فرهنگی سیما، معاونت سیاسی، معاونت پژوهشی مرتب به قم می آیند و پیش مراجع تقلید می روند. من نمی دانم شما در قم دنبال چه می گردید. آیا در کارهایی که شما می خواهید انجام دهید ابهامی وجود



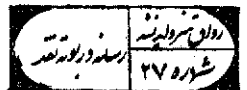
دارد. کار شما کار فقهی نیست که در قم دنبال مسائل فقهی می‌گردید. شما می‌توانید مسائلتان را از خود دفتر رهبری بپرسید یا از استفتائات ایشان استفاده کنید. آن قدر صریح و شفاف برای شما بحث موسیقی را توضیح دادند! فقها احترامشان واجب است ولی آن‌ها کارشان تحقیق علمی است. تحقیقاتشان نیز تبدیل می‌شود به راهکارهای حوزه و گفتمان حوزه علمی، نه این‌که در مباحث اجرایی مسئولین صدا و سیما ورود کنند.

مهندس ضرغامی: اولاً ملاقات من با مراجع سالی یک مرتبه است. البته دوستان ما در قم و از مرکز پژوهش‌ها مرتب نزد علما، مراجع، آیات عظام و بزرگان جامعه مدرسین می‌روند و درباره بعضی از موضوعاتشان بحث می‌کنند. توصیه مقام معظم رهبری نیز همین است. ایشان تاکید کردند که شما با مجامع علمی و فقهی و حوزوی ارتباط داشته باشید و به آن‌ها گزارش بدهید. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

صحبت آقایان مراجع که بعضی وقت‌ها بخش می‌شود، خیلی خوب است.

این یک تراز است. برای نمونه من خدمت آقای وحید خراسانی عرض کردم، مقام معظم رهبری سخنرانی شما درباره امام صادق را گوش کرده بودند و خودشان به من فرمودند از حضرت عالی حضوراً تشکر کنم. ایشان درباره برخی مسائل توضیحات خوبی برای ما می‌دهند که قابل استفاده است. من پیش آقای صافی گلپایگانی نیز می‌روم و ایشان در رابطه با بحث پوشش با من صحبت می‌کنند. من نیز نقطه‌نظرهایی دارم که خدمت ایشان می‌گویم و ایشان گوش می‌دهند. آقای صافی گلپایگانی در انقلاب و همراه امام بودند. موازین انقلاب را می‌دانند و در حکومت بودند و حرف‌های شنیدنی خوبی دارند. من در حدی نیستم که بگویم با ایشان جسارت کردم و بحث کردم. ولی ایشان اجازه دادند و من همین بحث‌هایی را که با شما می‌کنم برای ایشان مطرح کردم. ایشان نیز نکاتی می‌گویند که من بعضی‌ها را می‌توانم بگویم و بعضی‌ها را نیز نمی‌توانم بگویم. *آیت‌الله مکارم شیرازی* نیز حرف‌های بسیاری در حوزه‌های معارفی و قرآنی دارند. زمانی که یک مرجع تا این حد همکاری می‌کند که در سن ۸۵ سالگی می‌آید و ۳۰ شب برنامه‌های ۵ دقیقه‌ای ضبط می‌کند، ما نیز باید برویم و از این دیدگاه‌ها و نظرات استفاده کنیم. هرچند خود من شخصاً سالی یک‌مرتبه بیشتر نمی‌روم که به قم

بروم.



یکی از حضار: در خود بحث مرجعیت هم باز گفتمان رهبری حاکم است. زمانی که بحث مرجعیت رهبر انقلاب مطرح شد ایشان گفتند در حال حاضر در کشور بیش از ۱۰۰ نفر صلاحیت مرجعیت را دارند و مردم می‌توانند به آن‌ها رجوع کنند ولی گفتمان صدا و سیما گفتمان جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه است. گویا مدتی است که در صدا و سیما عده‌ای مرجع‌شناسی پیدا کرده‌اند.

مهندس ضرغامی: در این‌که چه کسی مرجع است و چه کسی نیست با عرض پوزش، با نظر شما موافق نیستم. بالاخره اگر ما بخواهیم در این مملکت از مرجعیت نام ببریم، بپذیریم که حساب و کتابی دارد. دست‌کم مرجعیت شوخی‌بردار نیست که رییس صدا و سیما دوست داشته باشد به یکی بگوید مرجع بعد بگوید اشتباه شد، او مرجع نیست. مملکت صاحب دارد و کسی را که می‌گوییم مرجع است درست می‌گوییم، حتماً مرجع است.

ساعتی دیگر از این جلسه تنها به بحث درباره موسیقی در رسانه ملی سپری شد. از آن‌جا که بحث موسیقی، بسیار مفصل و چالشی ادامه یافت، بنابراین گزارش آن را در شماره بعد تقدیم خواهیم کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی